

حق تابعیت اطفال حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی^۱

عاطفه عباسی^۲

فاطمه بداغی^۳

چکیده

تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، یکی از چالش‌های مهم حقوقی ایران است. با توجه به حکم مندرج در بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، بر مبنای قیاس اولویت، فرزند متولد از مادر ایرانی در ایران را باید ایرانی تلقی نمود، لکن این برداشت خلاف تفسیر منطقی از قانون می‌باشد. راهکار پیش‌بینی شده در قانون «تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» مصوب ۱۳۸۵، با توجه به عدم ثبت قانونی غالب این ازدواج‌ها و نیز بی‌تابعیتی برخی مردان خارجی یا عدم حضور فعلی ایشان در ایران نتوانسته است به رفع مشکل بینجامد. لذا باید به دنبال یافتن پاسخ این پرسش بود که تابعیت طفلی که با سرپیچی والدینش از قوانین مربوط به ازدواج با اتباع بیگانه متولد شده، چگونه خواهد بود؟

در پاسخ به این پرسش، مقالات بسیاری به رشته تحریر درآمده‌اند که غالباً به بررسی مفاهیم تابعیت، بی‌تابعیتی یا تابعیت مضاعف می‌پردازند. مقاله حاضر در مقام یافتن پاسخی کاربردی جهت رفع مشکل بی‌تابعیتی از کودکان مورد بحث می‌باشد. لذا نخست از توضیح مختصری پیرامون موضوعات پیش گفته بهره برده، سپس الزام‌های بین‌المللی ایران را در ارتباط با موضوع مورد بحث مطرح می‌کند و خلأهای قانونی را برمی‌شمارد و سرانجام به بیان اصلاحات پیشنهادی در قانون مدنی می‌پردازد.

واژگان کلیدی

تابعیت، ازدواج، مادر ایرانی، پدر خارجی، تابعیت مضاعف، بی‌تابعیتی

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۶/۱۵؛ پذیرش نهایی مقاله: ۸۸/۱۲/۵

۲- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

۳- دکترای حقوق خصوصی؛ معاون حقوقی نهاد ریاست جمهوری

مقدمه

از جمله حقوق معنوی افراد، دارا بودن تابعیت یک کشور است. با عنایت به این‌که در ساده‌ترین تعریف، می‌توان تابعیت را رابطه میان مردم با دولت متبوع خود دانست، لذا تابعیت مستلزم وجود یک شخص و رابطه تبعیت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۱۰۸-۱۱۰۹). ارتباط میان دولت و شخص به تابعیت جنبه سیاسی می‌بخشد و عدم رابطه الزامی میان محل سکونت و تابعیت، آن را دارای بعد معنوی می‌نماید (نصیری، ۱۳۸۱، ص ۲۶). برخی از حقوق‌دانان تابعیت را رابطه‌ای سیاسی، حقوقی و معنوی می‌دانند که شخص را به کشور معینی مرتبط می‌سازد (بالازاده، ۱۳۸۳، ص ۳۹). لذا یکی از عناصر تشکیل‌دهنده تابعیت، وجود رابطه سیاسی میان فرد و دولت متبوع می‌باشد. به هر حال، اعطای تابعیت از اختیارات حاکمیت است و دولت‌ها تابعیت را به اشخاص اعطاء و تحت شرایطی از ایشان سلب می‌نمایند.^۱ هر چند در برخی موارد، به دشواری می‌توان وجود علقه معنوی میان فرد و دولت متبوعش را احراز نمود.

برقراری رابطه تابعیت میان فرد و دولت، منجر به تحقق حقوق و تکالیف دوجانبه‌ای می‌گردد.^۲ در نتیجه، «اتباع» یک کشور را می‌توان کسانی دانست که ضمن بهره‌مندی از حقوق، در مقابل قانون، با یکدیگر برابرند، مگر در مواردی که وضعیت شخصی آن‌ها مانند صغر سن، محکومیت یا اکتسابی بودن تابعیت آن‌ها محدودیتی در حقوقشان ایجاد کند (همو، ص ۴۳). بدیهی است رعایت قوانین و مقررات داخلی بر عهده تمامی افراد ساکن کشور صرف نظر از تابعیت ایشان است.

۱- ماده ۱ کنوانسیون لاهه: «هر دولتی این صلاحیت را دارد که براساس قوانین خود تعیین کند چه کسانی از اتباع او محسوب می‌شوند».

۲- جهت ملاحظه حقوق و آزادی‌های فردی اتباع یک دولت بنگرید به: طباطبایی، منوچهر، حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ نهم، ۱۳۸۶.

اعطای تابعیت اصلی که به محض تولد به افراد تعلق می‌گیرد، بر اساس «سیستم خاک» یا «سیستم خون» و یا ترکیبی از این دو، صورت می‌پذیرد. تابعیت در سیستم خاک بر مبنای سرزمین محل تولد، و در سیستم خون، بر اساس تابعیت والدین خصوصاً پدر اعطا می‌گردد. در غالب کشورها با توجه به این‌که دو سیستم خاک و خون مکمل یکدیگر می‌باشند، نحوه اعطای تابعیت تلفیقی از هر دو سیستم می‌باشد (بالازاده، ۱۳۸۳، ص ۶۹).

تابعیت اکتسابی یا اشتقاقی هم از طریق پذیرش تابعیت کشور دیگر یا از طریق ازدواج به دست می‌آید و تابعیت تبعی آن است که به تبع تابعیت، یا پذیرش تابعیت کشور دیگر، به فرزند صغیر داده می‌شود. شایان ذکر است که دارا بودن تابعیت اکتسابی منجر به برخورداری از کلیه حقوق اتباع یک کشور می‌گردد، مگر آن‌که به موجب قانون، اتباع مزبور از آن محروم شده باشند مانند تصدی برخی مشاغل حساس.^۱

شایان ذکر است تغییر تابعیت زن بر اثر ازدواج با مرد خارجی و نیز تحمیل تابعیت همسر و فرزندان مردی که اقدام به تغییر تابعیت نموده را نمی‌توان از مصادیق تابعیت اکتسابی دانست، بلکه تغییر تابعیت در مثالهای اخیر از نوع تحمیلی است و اراده زن یا طفل در دارا شدن تابعیت اخیر بی‌تأثیر می‌باشد.^۲

معیارهای تعیین تابعیت خانواده

پس از وقوع ازدواج بعضاً تغییراتی در تابعیت زنان حاصل می‌شود. در این

۱- وفق ماده ۹۸۲ قانون مدنی محدودیت‌های مذکور به شرح ذیل است:

«حق رسیدن به ریاست جمهوری و معاونین او؛ عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه؛ وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری؛ عضویت در مجلس شورای اسلامی؛ عضویت در شوراهای استان، شهرستان و شهر؛ استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هر گونه پست یا مأموریت سیاسی؛ قضاوت؛ عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش، سپاه و نیروی انتظامی؛ تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی».

۲- در باب تعیین قانون حاکم بر روابط زوجین در صورت تفاوت در تابعیت زوج و زوجه، گاه قانون دولت متبوع زوج، گاه قانون دولت مقر دادگاه و گاه نیز قانون اقامتگاه مشترک زوجین ترجیح داده می‌شود.

خصوص چند نظریه مطرح گردیده است که هر یک دارای نقاط قوت و ضعفی می‌باشد.

بر اساس نظریه وحدت تابعیت، خانواده رکنی واحد است که یکی از ابزارهای لازم جهت تأمین وحدت آن، تابعیت واحد زن و شوهر است؛ لذا پس از وقوع ازدواج میان اتباع دو کشور، باید تابعیت یکی از زوجین به همسر دیگر تحمیل شود که با توجه به ریاست شوهر بر خانواده در برخی نظام‌های حقوقی، تابعیت شوهر به زن تحمیل می‌گردد (نصیری، ۱۳۸۱، ص ۵۴). از جمله نقاط قوت این نظریه، تفسیر حقوق و تکالیف زوجین در یک سیستم حقوقی و جلوگیری از تعارض تکالیف زوجین به علت تفاوت تابعیت می‌باشد. توضیح آن‌که در بسیاری از کشورها احوال اشخاص، تابع قانون ملی است و در چنین موقعیتی، قانون ملی شوهر بر مسائل حاکم خواهد بود. از معایب این نظریه، عدم امکان انتخاب تابعیت از طرف زن و نیز مغایرت این نظریه با سیاست‌های جمعیتی و امنیتی کشورهاست. کشورهای ایتوپی، اسپانیا، افغانستان، سوئیس، ایتالیا، بلژیک، ویتنام، یونان، ایران این سیستم را دارند.

نظریه استقلال تام تابعیت با تأکید بر تساوی حقوق زن و مرد و مبارزه برای رفع حجر از زنان، به نگرانی زنان درباره احتمال تحمیل تابعیت شوهر در صورت ازدواج با مردان خارجی پایان داد، لکن عدم تأمین وحدت خانواده که شرط تشکیل و بقای خانواده است و نیز احتمال بحران و معضل در کانون خانواده در زمان حدوث اختلاف بین دول متبوع زوجین، از معایب این سیستم تلقی می‌گردد. با توجه به معایب دو نظریه فوق و نیز اجتناب از تحقق وضعیت بی‌تابعیتی یا تابعیت مضاعف، نظریه استقلال نسبی تابعیت مطرح می‌گردد که بر اساس آن اصل بر استقلال زوجین در تابعیت است، لکن امکان تغییر آن با اراده ایشان وجود دارد. کشورهایی چون اتریش، اردن، الجزایر، آلمان، آمریکا، انگلیس، برزیل، پاکستان، ترکیه از این سیستم پیروی می‌کنند.

جایگاه تابعیت در نظام حقوقی ایران

با توجه به نکات یاد شده اینک می‌توان به بررسی جایگاه تابعیت در نظام حقوقی ایران پرداخت. در این خصوص ضروری است در بدو امر تعهدات بین‌المللی ایران که مطابق قانون اساسی مراحل تصویب را طی نموده و وفق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون است، ذکر گردد. در مرحله بعدی جایگاه موضوع در نظام داخلی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. هدف از بیان این قوانین و مقررات، آشکار ساختن نقاط ضعف و قوت این احکام، بیان چالش‌های موجود و در نهایت ارائه راه‌حل مناسب جهت حل مشکلات پیش رو می‌باشد.

تعهدات بین‌المللی ایران در موضوع تابعیت

از جمله اسنادی که تابعیت را یکی از حقوق اولیه انسان‌ها دانسته است، اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروندی^۱ می‌باشد. بر مبنای ماده ۱۵ این سند، هر کس از حق داشتن تابعیت بهره‌مند است و هیچ کس به نحو خودسرانه از تابعیتش محروم نخواهد شد.

طبق جزء ۱ ماده ۲۴ قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۳۵۴، هر کودکی بدون تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، مکتب یا نسب، حق دارد از تدابیر حمایتی از جمله بهره‌مندی از تابعیت وفق جزء ۳ این ماده، برخوردار گردد.

برابر اصل ۳ اعلامیه حقوق کودک مصوب ۱۹۵۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد «کودک باید از بدو تولد صاحب ملیت گردد». حق کودک بر تابعیت در کنوانسیون حقوق کودک با این وصف تصریح گردیده که ولادت کودکان به محض تولد ثبت خواهد شد و کودک از همان لحظه حق داشتن نام و حق برخورداری از تابعیت را خواهند داشت. بر اساس این سند، دولت‌های عضو

۱- جهت ملاحظه متن کامل اسناد مربوط به حوزه حقوق بشر بنگرید به: امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

می‌باید اهتمام نمایند تا اطفال صرف نظر از اصل و نسب والدین، گرفتار بی‌تابعیتی نگردند. شایان ذکر است که کنوانسیون حقوق کودک جهت اجتناب از بی‌تابعیتی اطفال، اعمال سیستم خاک را بدون لحاظ تابعیت والدین پیشنهاد نموده است.

با توجه به آن‌که بهره‌مندی افراد از حقوق مدنی و سیاسی و نیز حمایت دولت‌ها از افراد، منوط به وجود رابطه تابعیت است، لذا کنوانسیون ۱۹۵۴ مربوط به وضعیت اشخاص بی‌تابعیت، به حمایت از اشخاص مزبور پرداخته است. این کنوانسیون دول عضو را مکلف نموده است که بی‌تابعیتی را وسیله‌ای جهت عدم اعمال حقوق بشر در حوزه‌هایی مانند مذهب، آموزش ابتدایی، دسترسی به دادگاه، قوانین کار، عمومی، مالکیت معنوی، حق داشتن مسکن، حق تشکیل اتحادیه و انجمن، آزادی‌های اساسی و حق مالکیت قرار ندهند. البته این امر شامل اشخاص بی‌تابعیتی که به نحو غیر قانونی ساکن سرزمین یکی از دولت‌های عضو هستند، نمی‌باشد و ایشان تنها از بخش محدودی از حقوق و حمایت‌های مورد بحث بهره می‌برند.^۱ تعارض قوانین، استقلال سرزمین، قوانین مربوط به ازدواج، عملکردهای اداری، تبعیض، قوانین مربوط به ثبت تولد، اصل خون، سلب تابعیت، ترک تابعیت، از دست دادن قهری تابعیت با اعمال قانون، از جمله طرق تحقق بی‌تابعیتی افراد می‌باشد. وجود تابعیت وابسته نیز ممکن است منجر به بی‌تابعیتی گردد. براساس اصل تابعیت وابسته، زنی که با تبعه خارجی ازدواج می‌کند تابعیت خودش را از دست می‌دهد و تابعیت شوهرش را کسب می‌کند.

مطابق قانون اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی مصوب ۱۳۴۷، مقررات این کنوانسیون نباید به گونه‌ای تفسیر شود که

۱- لازم به ذکر است معاهده کاهش بی‌تابعیتی ۱۹۶۱ انحصاراً بر کاستن از بی‌تابعیتی تمرکز نموده و مقرر می‌نماید افرادی که به هر شکلی گرفتار بی‌تابعیتی می‌باشند، باید قادر به تحصیل تابعیت شوند و امکانات لازم جهت تحصیل تابعیت در اختیار کلیه افرادی که در قلمرو یک دولت زاده می‌شوند، قرار گیرد. ایران کنوانسیون مزبور را تصویب نکرده است و ذکر آن صرفاً در جهت بیان سایر اسناد بین‌المللی در این خصوص است.

ناقص مقررات داخلی مربوط به تابعیت کشورهای عضو گردد، مگر آن‌که این قواعد منجر به تبعیض نژادی بر اساس نژاد، رنگ، نسب یا منشأ ملی یا قومی گردد؛ به نحوی که به از بین بردن یا در معرض تهدید و مخاطره انداختن شناسایی، تمتع یا استیفاء در شرایط مساوی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هر زمینه دیگر از حیات عمومی باشد.

وفق بند ۲ ماده ۱۸ قانون اجازه الحاق ایران به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۲ کودکان دارای معلولیت بلافاصله پس از ولادت ثبت خواهند گردید و از زمان ولادت دارای حق برخورداری از نام، اخذ تابعیت و تا حد امکان حق شناخت و مراقبت توسط والدین خواهند گردید.

کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل آن که در سال ۱۳۵۵ به تصویب دولت ایران رسیده است نیز متضمن احکامی است در خصوص افراد فاقد تابعیت یا افرادی که به دلایل سیاسی و غیره امکان بهره‌مندی از حمایت دولت متبوع خود را ندارند. وفق ماده ۳۴ این سند، دول متعاقد تا آنجا که ممکن است در پذیرش و اعطای تابعیت به پناهندگان، تسهیلاتی فراهم خواهند آورد و کوشش خواهند کرد تا امر تحصیل تابعیت را تسریع کنند و از هزینه‌های این امر بکاهند.^۱

۱- شایان ذکر است که از حیث مطالعه تطبیقی، کنوانسیون اروپایی تابعیت مصوب ۱۹۹۷، قواعد تحصیل تابعیت کشورهای عضو کنوانسیون را چنین مقرر نموده که «هر دولت عضو کنوانسیون، در مقررات داخلی، این امر را مقرر می‌داند که تابعیتش به طور قانونی توسط اشخاص ذیل کسب شود» (بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی تابعیت). همچنین دول عضو کنوانسیون مکلف می‌گردند، در قوانین داخلی خود این امر را مقرر دارند، که تابعیت خود را به نحو قانونی به اطفال مجهول‌الهویه‌ای که در سرزمینشان یافت می‌شوند، اعطاء کنند و در صورتی که این‌گونه اشخاص در غیر سرزمین آنها یافت شوند، از حیث مقررات آن کشور، بی‌تابعیت محسوب خواهند شد (مستنبط از بند ب ماده ۶ کنوانسیون اروپایی تابعیت).

همچنین بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون مقرر می‌دارد: "هر دولت طرف کنوانسیون در قانون داخلی خود، تابعیتش را به اطفالی اعطاء می‌کند که در قلمرو وی متولد شده‌اند منوط به آن که در زمان تولد، تابعیت دیگری را تحصیل نکرده باشند." البته در ماده ۹ کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان نیز که ایران به آن ملحق نگردیده، دول عضو متعهد شده‌اند به زنان و مردان در مورد ملیت و تابعیت کودکان حقوق مساوی اعطا نمایند.

تابعیت در پرتو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصول چهل و یک و چهل و دوم قانون اساسی به موضوع تابعیت پرداخته است. مطابق این اصول «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید» و «اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت این‌گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آن‌ها را بپذیرد یا خود آن‌ها درخواست کنند». در اصول مزبور سخنی از حقوق و مزایای افراد تبعه نسبت به غیر اتباع به میان نیامده است، لکن با کمی دقت در قوانین و مقررات جاری ایران می‌توان چنین دریافت که بهره‌مندی از بسیاری امتیازات یا تصدی بسیاری مشاغل نیازمند دارا بودن تابعیت ایرانی می‌باشد و حتی تابعیت اکتسابی نیز دارای برخی محدودیت‌ها نسبت به تابعیت اصلی می‌باشد.

از جمله شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان ریاست جمهوری^۱، نمایندگی مجلس شورای اسلامی^۲، هیأت‌های مدیره سازمان نظام پزشکی و شورای عالی نظام پزشکی^۳، اعضای شورای مرکزی و شورای منطقه‌ای و هیأت بازرسان سازمان نظام روانشناسی^۴، دارا بودن تابعیت ایرانی همچنین شرط لازم برای امور زیر است: شرکت در همه پرسی^۵، احراز پست قضاوت^۶، استخدام در نهادهایی چون مجلس شورای اسلامی^۷، دیوان محاسبات کشور^۸، دستگاه‌های

۱- بنگرید به: مواد ۳۵ و ۳۶ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۴

۲- بنگرید به: مواد ۲۹ و ۳۰ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۲

۳- بنگرید به: مواد ۲۲ و ۲۳ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران

۴- بنگرید به: مواد ۱۷ و ۱۸ قانون تشکیل سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۲

۵- بنگرید به: ماده ۴ لایحه قانونی همه پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸

۶- بنگرید به: بند ۳ ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری

۷- بنگرید به: ماده ۵ قانون استخدامی کارکنان مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۲

۸- بنگرید به: ماده ۵ قانون آئین نامه استخدامی دیوان محاسبات کشور

اجرائی^۱، نیروی انتظامی^۲؛ همچنین اخذ پروانه کارشناسی رسمی^۳، عضویت در هیأت مدیره نظام مهندسی^۴ و هیأت منصفه مطبوعات^۵، نامزدی و عضویت در شورای مرکزی سازمان نظام دامپزشکی و شوراهای استانی^۶، تأسیس نشریه^۷، ایجاد مؤسسات کاریابی^۸، ایجاد دفاتر ثبت نام^۹، انتقال جنین‌های حاصل از تلقیح خارج از رحم^{۱۰}، و

اعطای تابعیت در حقوق موضوعه ایران

با توجه به قوانین و مقررات ایران در خصوص موضوع تابعیت، در این مبحث افراد متبوع ایرانی و شرایط اعطای تابعیت به ایشان تبیین می‌گردد. ماده ۹۷۶ قانون مدنی به بیان افراد متبوع ایران پرداخته است. با مطالعه ماده مزبور می‌توان موارد ذیل را استنتاج نمود:

۱- اصل بر آن است که هر فرد ساکن ایران، ایرانی است مگر آن‌که تابعیت خارجی وی مسلم شود یا مدارک تابعیت او مورد اعتراض دولت ایران باشد. لذا می‌توان ضابطه تعیین تابعیت در ایران را اقامت فرد در سرزمین ایران دانست (نصیری، ۱۳۸۱، ص ۶۲).

۲- بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، با اعمال سیستم خون، هر کس را که از پدر

۱- بنگرید به: ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری

۲- بنگرید به: ماده ۱۶ قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

۳- بنگرید به: ماده ۱۵ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری ۱۳۸۱

۴- بنگرید به: ماده ۱۱ قانون نظام مهندسی معدن ۱۳۷۹

۵- بنگرید به: ماده ۴ قانون هیأت منصفه

۶- بنگرید به: ماده ۶ قانون تاسیس سازمان نظام دامپزشکی جمهوری اسلامی ایران

۷- بنگرید به: قانون مطبوعات اصلاحی ۱۳۷۹

۸- بنگرید به: ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی قانون مجازات اشتغال به حرفه کاریابی و مشاوره شغلی بدون داشتن پروانه کار مصوب ۱۳۸۷

۹- بنگرید به: ماده ۱۲ آیین نامه اجرایی ماده (۳۲) قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۶

۱۰- بنگرید به: ماده ۲ قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲

ایرانی متولد گردد، با اعمال تابعیت اصلی نسبی، ایرانی محسوب می‌نماید و در این بین، تفاوتی میان اصلی یا اکتسابی بودن تابعیت پدر نمی‌باشد (سلجوقی، ۱۳۷۰، ص ۷۹)؛ لکن مقتن، نسب مادری را مؤثر در مقام ندانسته است.^۱

۳- وفق بند ۳ ماده فوق‌الذکر، تابعیت اصلی سرزمینی، به افراد متولد از پدر و مادر مجهول در ایران، اعطا می‌شود و در این خصوص تنها به محل تولد طفل توجه می‌گردد. شایان ذکر است در صورتی که نسب نامشروع طفل به اثبات رسد تابعیت وی مورد تردید خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ص ۵۹۰).

۴- بند ۴ همین ماده که از احکام بحث برانگیز این قانون می‌باشد، مقرر نموده است کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از ایشان متولد ایران است، متولد شوند، ایرانی می‌باشند. این تابعیت نیز از مصادیق تابعیت اصلی سرزمینی است. لکن نکته بسیار مهم توجه به تابعیت مادر خارجی طفل و صرف تولد وی در ایران می‌باشد. لذا برخلاف حکم مندرج در بند ۲ این ماده که تابعیت زن ایرانی را مؤثر در اعطای تابعیت ایرانی به طفلش نمی‌داند، در بند ۴ صرف تولد زن خارجی در ایران را منجر به اعطای تابعیت به طفل متولد از وی در ایران می‌شمارد.

۵- بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی موردی را بیان می‌کند که فرد در ایران از والدینی خارجی متولد می‌گردد که هیچ یک متولد ایران نبوده‌اند، لکن خود فرد پس از رسیدن به ۱۸ سالگی یک سال به میل خود در ایران می‌ماند. در این صورت این فرد از تابعیت اصلی ایرانی بر مبنای سیستم خاک بهره‌مند می‌شود.

با توجه به مندرجات ماده ۹۷۷ قانون مدنی، اشخاص مذکور در بندهای ۴ و ۵، هرگاه مایل به قبول تابعیت پدر خود باشند، باید پس از رسیدن به سن ۱۸ سال

۱- در ادامه بحث، تعارض این بند با بندهای بعدی در خصوص تأثیر تابعیت مادر در تعیین تابعیت طفل، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. شایان ذکر است که برخی کشورها مانند فرانسه تابعیت والدین طفل را در هنگام تولد او ملاک تعیین تابعیت طفل ندانسته‌اند. در این صورت چنانچه در موقع تولد طفل، اختلاف در تابعیت پدر و مادر باشد، طفل طبق سیستم خون، دارای دو تابعیت می‌گردد.

تمام، ظرف یک سال درخواست کتبی خود، به علاوه تصدیق پذیرش تابعیت ایشان توسط دولت متبوع پدر را به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

۶- بند ۶ ماده صدر الذکر در خصوص تحمیل تابعیت ایرانی بر اثر ازدواج به زن غیر ایرانی است. در این بین تفاوتی میان بقا یا عدم بقای تابعیت قبلی زن نیست؛ در نتیجه امکان تحقق تابعیت مضاعف با اعمال این ماده بسیار است. تابعیتی که زن خارجی به این وسیله کسب می‌کند، قطعی است. اگر شوهر در مدت زناشویی از تابعیت ایران خارج گردد، زن در تابعیت ایران باقی خواهد ماند؛ مگر این‌که مطابق ماده ۹۸۸ ق.م. اجازه دولت برای ترک تابعیت شامل زن مزبور نیز بشود. همچنین با پایان یافتن ازدواج، چه از طریق فوت شوهر یا طلاق، این تابعیت از بین نمی‌رود (نصیری، ۱۳۸۱، ج ۱ و ۲، ص ۲۷) و بازگشت زن به تابعیت اول خود با رعایت مفاد ماده ۹۸۶ قانون مدنی امکان‌پذیر است. شایان ذکر است که هرچند در ازدواج زن خارجی با مرد ایرانی، قانونگذار سیستم «وحدت تابعیت» را پذیرفته، لکن در ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی از این سیستم تبعیت ننموده است و تحمیل تابعیت مرد خارجی بر زن ایرانی را منوط به تحقق ماده ۹۸۷ قانون مدنی نموده که بر اساس آن زن به تابعیت ایرانی خود پس از ازدواج باقی است مگر آن‌که مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود.

۷- بند ۷ ماده ۹۷۶ نیز به موضوع تابعیت اکتسابی پرداخته است. شرایط اعطای تابعیت ایرانی در مواد ۹۸۰ و ۹۷۹ قانون مدنی پیش‌بینی شده است. البته زن و اولاد صغیر این افراد نیز با توجه به وابستگی تابعیتی شان به مرد، از این تابعیت اکتسابی بهره‌مند خواهند شد. این امر از مصادیق تابعیت تحمیلی می‌باشد.^۱

۱- در خصوص جایگاه شرعی حقوق زنان در حوزه تابعیت بنگرید به: دفتر مطالعات و تحقیقات، مجموعه مقالات دفاع از حقوق زنان، قم، انتشارات طه، چاپ اول، ۱۳۸۰.

نحوه اعطای تابعیت به اطفال در نظام حقوقی ایران

اعطای استقلال به اطفال در تعیین تابعیت، تا پیش از رسیدن به سن رشد با منافع اطفال در تعارض است. لذا پیش‌بینی ضوابط قانونی جهت اعطای تابعیت به اطفال ضروری می‌باشد. بر این اساس، در تمامی نظام‌های حقوقی بر اساس معیارهای مورد پذیرش در هر سیستم، یکی از روش‌های خاک یا خون یا تلفیقی از هر دو، جهت تعیین تابعیت اطفال پیش‌بینی شده است.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بر طبق ماده ۹۵۷ قانون مدنی، کودک حتی اگر پس از تولد یک ثانیه زنده باشد، از تمام حقوق مدنی برخوردار است. ماده ۹۹۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد که ولادت هر طفل و سقط جنین شش ماهه به بعد، باید در زمان مقرر و بر طبق روش مشخص شده در قانون یا آیین‌نامه اجرایی آن، به سازمان ثبت احوال گزارش داده شود.

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۰ قانون ثبت احوال را به تصویب رساند و مطابق ماده ۱۲ قانون مزبور ولادت هر طفل در ایران اعم از این که پدر و مادر طفل ایرانی یا خارجی باشند، باید به نماینده یا مأمور ثبت احوال اعلام شود و ولادت اطفال ایرانیان مقیم خارج از کشور به مأمور کنسولی ایران در محل اقامت و اگر نباشد به نزدیکترین مأمور کنسولی یا سازمان ثبت احوال کشور اعلام گردد.

بر اساس ماده ۱۶ قانون ثبت احوال، اعلام و امضای سند ثبت ولادت، به ترتیب به عهده این افراد است: پدر، مادر در صورت غیبت پدر و در اولین موقعی که قادر به انجام این وظیفه باشد، مادر یا جد پدری که از طرف دادگاه به سمت ولایت انتخاب شده باشد، وصی یا قیم یا امین، اشخاصی که قانوناً عهده‌دار نگهداری طفل می‌باشند، متصدی یا نماینده مؤسسه‌ای که طفل به آنجا سپرده شده است و در نهایت صاحب واقعه که سن او از ۱۸ سال تمام به بالا باشد.

مهلت قانونی مقرر برای اعلام ولادت هر کودک ۱۵ روز پس از تاریخ تولد است. پس از انقضای تاریخ مقرر، چنانچه واقعه ولادت ثبت نشده باشد، کسانی

که قانوناً موظف بوده‌اند، مقصر شناخته شده، تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند و متخلفان علاوه بر ثبت ولادت به پرداخت جریمه نقدی نیز محکوم می‌شوند.

اگر ازدواج پدر و مادر کودکی ثبت نشده باشد، اعلام واقعه ولادت و امضای دفتر کل وقایع، بر عهده پدر و مادر مشترکاً می‌باشد. در صورتی که نتوان توافق پدر و مادر را در مورد اعلام ولادت کودک به دست آورد، شناسنامه بنا به درخواست یکی از والدین صادر خواهد شد، و فقط نام اول طرف غایب، ذکر می‌گردد.

کودک متولد از مادری ایرانی که در ایران به صورت قانونی ازدواج نکرده، اگر دارای پدر ایرانی باشد، تابعیت ایرانی خواهد داشت. با این وجود، شناسنامه کودک بر اساس نام خانوادگی مادر تنظیم خواهد شد. در صورتی که پدر کودک تابعیت ایرانی نداشته باشد، مقامات ایرانی ملیت آن کودک را مشابه ملیت پدرش به حساب می‌آورند.

ماده ۱۷ قانون ثبت احوال نیز چنین حکم می‌کند که هرگاه ابوین طفل معلوم نباشند، سند با نام خانوادگی آزاد و نام‌های فرضی در محل اسامی ابوین تنظیم می‌گردد. تصحیح اسامی فرضی یا تکمیل مشخصات ناقص به موجب اقرارنامه موضوع ماده ۱۲۷۳ قانون مدنی با حکم دادگاه یا مدارک حصر وراثت به عمل خواهد آمد و نام خانوادگی فرضی طبق احکام مربوط به نام خانوادگی واقعی اصلاح خواهد شد. موضوع فرضی بودن اسامی پدر و مادر نیز در شناسنامه منعکس نخواهد شد. بر اساس ماده ۱۸ قانون ثبت احوال، نماینده یا مأمور ثبت احوال، ولادت طفل فاقد ولی را ثبت کرده، مراتب را برای اقدام قانونی به دادستان اطلاع خواهد داد. بر اساس این مواد کودکانی که رها شده‌اند یا نامشروع هستند، شناسنامه می‌گیرند.

نهایت آن‌که در خصوص تابعیت اطفال نامشروع، هر چند از لحاظ شرعی با

۱- برای مثال اگر یکی از آن‌ها در دسترس نباشد یا یکی از آن‌ها در ارتباط با نسبت خونی خود با کودک توافق نداشته باشد.

توجه به عدم الحاق اطفال نامشروع به پدر، اطفال مذکور تابعیت را از طریق خون از پدر به ارث نمی‌برند، لکن از طریق سیستم اقامتگاه و محل تولد می‌توان ایشان را دارای تابعیت ایرانی دانست. البته با توجه به رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ مورخه ۷۶/۴/۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، هرگاه محل تولد طفل در خارج از ایران باشد و وی در ایران اقامت نیز نداشته باشد، با توجه به اینکه رابطه عرفی ابوت و بنوت میان طفل و زانی برقرار است، می‌توان زانی را مکلف به دریافت شناسنامه برای طفل دانست و از این راه تابعیت ایرانی به طفل مذکور اعطا نمود.

وضعیت تابعیت کودکان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان

خارجی

یکی از چالش‌های مهم مبحث تابعیت ناظر بر نحوه تعیین تابعیت اطفالی است که از مادری ایرانی و پدری خارجی تولد می‌یابند. مقدمه ضروری جهت ثبت ولادت طفل، ثبت واقعه ازدواج والدین وی می‌باشد. این امر در مواردی که پدر طفل غیر ایرانی باشد، دارای اهمیت بیشتری می‌گردد؛ زیرا وفق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی فقط با صدور مجوز خاص دولتی مجاز می‌باشد.

طبق ماده ۱۷ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ و ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی، ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در مواردی هم که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است. همچنین به موجب ماده ۱۰۶۱ این قانون، دولت می‌تواند ازدواج بعضی از مستخدمان و مأموران رسمی و محصلان دولتی را با زن تبعه خارجی، موکول به اجازه مخصوص نماید^۱ و در ماده ۱۷ قانون ازدواج برای مرد خارجی که بدون اجازه دولت به ازدواج با زن ایرانی مبادرت

۱- بنگرید به: قانون منع ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه مصوب ۲۵ دی ماه ۱۳۴۵.

کند، مجازات حبس تأدیبی از ۱ تا ۳ سال تعیین نموده است.

همچنین آیین‌نامه اجازه زناشویی بانوان ایران با اتباع بیگانه غیرایرانی، تقاضای کتبی مرد و زن، گواهی‌نامه دولت متبوع شوهر مبنی بر به رسمیت شناختن ازدواج حاضر در کشور متبوع شوهر، گواهی تشریف به دین اسلام در مورد مرد غیرمسلمان، گواهی‌نامه تجرد یا تأهل مرد، گواهی عدم سوءپیشینه از کشور متبوع شوهر و کشور ایران و اخذ تعهد و تضمین از شوهر (در صورت صلاحدید وزارت کشور) را برای صدور اجازه لازم دانسته است.

افزایش مهاجرت‌های غیرقانونی به ایران، خصوصاً پس از جنگ‌های اخیر در کشورهای افغانستان و عراق و ازدواج این افراد با زنان ایرانی که به جهت فقر و ناآگاهی از قوانین از جمله ماده اخیر الذکر صورت پذیرفته، موجی از مشکلات را به همراه آورده است که یکی از آنها عدم امکان اعطای شناسنامه ایرانی به فرزندان حاصل از این ازدواج‌ها می‌باشد. توضیح آن‌که غالب این ازدواج‌ها بدون طی مراحل قانونی و صرفاً به صورت شرعی تحقق یافته است و لذا جاری ساختن آثار قانونی نکاح بر این ازدواج‌های غیرقانونی امکان‌پذیر نمی‌باشد.

با عنایت به ماده ۹۷۶ قانون مدنی، اطفال مورد بحث، مشمول هیچ یک از بندهای ماده ۹۷۶ قانون مدنی نمی‌باشند. عدم امکان بهره‌مندی این اطفال از احکام مقرر در ماده ۹۷۶ قانون مدنی و وجود اطفال فاقد تابعیت در ایران، دولت را بر آن داشت تا با تصویب قانونی در سال ۱۳۸۵ نسبت به رفع این مشکل چاره‌اندیشی نماید.

تا پیش از سال ۱۳۸۵ وفق نظریات شماره ۳۸۰۷ مورخ ۱۳۵۳/۶/۶ و شماره ۷/۵۰۲۵ مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۳ اداره حقوقی قوه قضاییه، طفل متولد از مادر ایرانی در ایران، بنابر اولویت و تنقیح مناط، به حکم بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، ایرانی محسوب می‌شد (سلجوقی، ۱۳۷۰، ص ۸۲). بدیهی است راهکار مذکور با توجه به ارتباط موضوع تابعیت با نظم عمومی و حاکمیت دولت، راه‌حل مناسبی تلقی نمی‌شد.

به موجب ماده واحده قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵/۷/۲، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده‌اند یا حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند، می‌توانند بعد از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، تقاضای تابعیت ایران را نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیر ایران، به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده ۱۰۶۰ ق.م. اقدام می‌نماید. نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور، پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده را صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده قبل از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران می‌باشند. در تبصره ۱ ماده واحده چنین آمده است: «چنانچه سن مشمولین این ماده در زمان تصویب بیش از هجده سال تمام باشد، باید حداکثر ظرف یک سال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند».

در تبصره ۲ ماده واحده آمده است: «از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده ۱۰۶۰ ق.م. به ثبت رسیده باشد، پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، حداکثر ظرف مدت یک سال، بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده ۹۷۹ ق.م. به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند». لذا تنها حمایت این قانون، معاف نمودن افراد موضوع این قانون از شرط «پنج سال سکونت در ایران اعم از متوالی یا متناوب» می‌باشد.

راه حل مشکل کودکان بی‌تابعیت

تاکنون نظام حقوقی ایران، مقرراتی را برای تضمین حق تابعیت کودکان، به تصویب نرسانده است. کودکی که در اثر ازدواج مادر ایرانی با مرد خارجی متولد می‌شود، با توجه به قوانین موجود اغلب فاقد تابعیت می‌گردد. در راستای رفع این

مشکل، ضمن تأکید بر این‌که ماده واحده «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» نتوانسته به حل مشکل کمک نماید، اصلاح برخی از مواد قانون مدنی به شرح ذیل توصیه می‌شود:

اولاً- در نظام حقوقی ایران، روابط مالی و شخصی زوجین، تابع قانون اقامتگاه شوهر است؛ حال آن‌که این امر در موارد بی‌تابعیتی شوهر یا عدم دسترسی به وی، منجر به بروز مشکلاتی می‌گردد. لذا باید با افزودن تبصره‌ای به ماده ۹۶۳ قانون مدنی، روابط شخصی و مالی میان زن ایرانی و شوهر خارجی مقیم ایران، تابع قانون آخرین اقامتگاه مشترک گردد تا با مشکل تعیین قانون صالح بر مبنای قانون دولت متبوع شوهر روبرو نباشیم.

همچنین جهت رفع مشکل تعیین قانون حاکم بر روابط والدین و طفل، در قالب تبصره‌ای ذیل ماده ۹۶۴ قانون مدنی، روابط اولاد با مادر ایرانی و پدر خارجی (که مطابق مفاد تبصره ۳ ماده ۹۸۷ این قانون دارای پروانه اقامت است^۱)، تابع قانون ایران (محل اقامت پدر) باشد. این امر مشکل وجود قوانین صالح درباره احوال شخصیه را مرتفع خواهد نمود.

ثانیاً- با توجه به بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی که تولد زن خارجی در ایران را امتیازی جهت اعطای تابعیت اصلی به فرزند وی دانسته است، باید تابعیت زن ایرانی را نیز مؤثر در مقام دانست و با افزودن یک بند به عنوان بند ۸ به ماده مزبور، کسانی را هم که در ایران از مادر ایرانی متولد شده باشند، با توجه به سیستم خاک (محل تولد) و خون (نسب مادری) تبعه ایران تلقی نمود.

البته احراز ولادت طفل در ایران و نیز ثبت واقعه ازدواج در مواردی که زن ایرانی با مرد خارجی ازدواج نموده باشد، باید در قالب تبصره‌ای بر عهده وزارت کشور نهاده شود.

بدیهی است در این خصوص، طفل مورد بحث باید از شرایط مندرج در بند الف

۱- مقصود از تبصره ۳ ماده ۹۸۷، تبصره پیشنهادی است که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

ماده ۹۷۷ نیز بهره‌مند باشد. توضیح آن‌که اشخاص مزبور پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام، باید بتوانند تابعیت پدر خود را قبول کنند. البته ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان را دایر به این‌که آن‌ها را تبعه خود خواهد شناخت، باید به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.

ثالثاً تحمیل تابعیت مرد غیر ایرانی به زن ایرانی بر اثر ازدواج، یکی از مشکلات مهم بر سر راه تعیین تابعیت اطفال حاصل از این ازدواج می‌باشد. با اصلاح ماده ۹۸۷ و تبصره‌های آن به شرح ذیل، این مشکل تا حدودی مرتفع می‌گردد:

ماده ۹۸۷- زن ایرانی که با مرد غیر ایرانی ازدواج نماید، به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد بود. در صورت انتخاب تابعیت زوج توسط زن ایرانی با وجود دلایل کافی و به شرط تقدیم تقاضانامه کتبی، وزارت امور خارجه می‌تواند با تقاضای وی موافقت نماید.

تبصره ۱- زن ایرانی که مطابق این ماده تابعیت همسر خود را انتخاب می‌کند، حق داشتن اموال غیر منقول را مشروط به عدم تحقق سلطه اقتصادی و موافقت کمیسیونی متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های امور خارجه، کشور و اطلاعات دارد. تبصره ۲- مفاد ماده ۹۸۸ و تبصره الف آن، در خصوص زنانی که وفق این ماده ترک تابعیت می‌نمایند، لازم‌الاجرا نمی‌باشد.

تبصره ۳- در صورت حفظ تابعیت ایرانی توسط زن پس از ازدواج با مرد غیر ایرانی و تولد فرزند، نیروی انتظامی با اعلام وزارت کشور برای پدر خارجی پروانه اقامت صادر می‌نماید.

در نهایت با توجه به امکان رفع مشکل با راهکار پیشنهادی، قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵ باید نسخ گردد.

یافته‌های پژوهش

در قانون مدنی ایران، حق تابعیت زنان در برابر دولت، با حقوق و تکالیف

خانوادگی ایشان مخلوط شده و حقوق خانوادگی بر حقوق انسانی اشخاص در برابر حکومت ترجیح داده شده است. علاوه بر تبعیض توجیه ناپذیر میان زن و مرد ایرانی در تأثیر تابعیت ایشان در تعیین تابعیت فرزندانشان به استناد سیستم «خون»، مشکل اصلی زمانی بروز می‌کند که سیستم حقوقی دولت متبوع پدر طفل در فرض ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی، تابعیت را بر اساس سیستم خاک اعطا نماید که این امر در عمل منجر به بی‌تابعیتی طفل می‌گردد. با توجه به ناکارآمدی قانون، تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی و ضرورت اصلاح قواعد موجود، اصلاح موادی از قانون مدنی خصوصاً با توجه به بند ۴ ماده ۹۷۶ آن قانون به شرح مندرج در این مقاله، گامی مؤثر در جهت رفع مشکل می‌باشد.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- ✓ امیر ارجمند، اردشیر، «مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶، چاپ دوم
- ✓ بالا زاده، زهره، *حقوق بین‌الملل خصوصی و مقررات ایران در زمینه تابعیت، اقامتگاه و وضعیت بیگانگان*، تهران، نشر مردم سالاری، ۱۳۸۳، چاپ اول
- ✓ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸، چاپ اول
- ✓ دفتر مطالعات و تحقیقات، *مجموعه مقالات دفاع از حقوق زنان*، قم، انتشارات طه، ۱۳۸۰، چاپ اول
- ✓ سلجوقی، محمود، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰، چاپ اول
- ✓ طباطبایی، منوچهر، *حقوق اساسی*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶، چاپ نهم
- ✓ کاتوزیان، ناصر، *قانون مدنی در نظام حقوقی کنونی*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱، چاپ اول
- ✓ نصیری، محمد، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۱، چاپ نهم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی